سفر به هیمالیای کوچک

گزارش صعود به دیواره اگویی دومیدی ، قله مونبلان و دیواره گراند ژوراس از مسیر واکر

حسن گرامی و فاطمه حاجی کریملو

باشگاه کوهنوردی دوستی دماوند
تاسیس ۱۳۳۲

تابستان ۱۳۹۷

August 2018

اول آگوست وارد شهر پاریس شدیم و بعد از بازدید از برج ایفل و خیابان شانزلیزه و صرف یک ناهار جانانه به سمت ترمینال اتوبوسرانی رفته تا از آنجا به سمت شهرشامونی که یکی از مراکز مهم برای کوهنوردان دنیا میباشد، برویم. آنجا در کمپ لسیمس camping les cimes اقامت داشتیم و بعد از انتظار هوای خوب بالاخره در روز ۴ آگوست با خرید بلیط رفت و برگشت تلفریک اگویی دومیدی(aiguilles du midi) برای ۲ نفر ۱۲۳ یورو به سمت بالا به راه افتادیم. شهر شامونی در ارتفاع حدود ۱۰۰۰ متری قرار دارد و اگویی دومیدی در ارتفاع حدود ۳۸۰۰ متر که این فاصله را میتوان در مدت ۲۰ دقیقه با تلفریک طی نمود و این ماشین غول پیکر در هر رفت حدود ۷۰ نفر را جابجا میکند. بعد از خوردن صبحانه و چیدمان لوازم به سمت یخچال کازمیک سرازیر شده و به پای دیواره گرانیتی اگویی دومیدی رفتیم، لوازم اضافی را آنجا گذاشتیم و آماده صعود مسیر کلاسیک ربوفا (rebuffat-baquet) شدیم. این مسیر ۹ طول میباشد که بعد از صعود با ۶ طول فرود به پایین دیواره می رسید و برای صعود این مسیر ابزارهای میانی متوسط و درشت کملوت و شفت مورد نیاز می باشد و همچنین چند میخ و رول در مسیر وجود دارد.

ما برنامه داشتیم تا شب را در پایین پناهگاه کازمیک(cosmique refuge) چادر بزنیم و صبح یخچال تری انگل را صعود کنیم اما یخچال به علت گرمای هوا، ریزش های خطرناکی داشت و با مشورت یک گاید فرانسوی تصمیم گرفتیم قله مونبلان(mont blanc مرتفع ترین قله رشته کوه های آلپ) از مسیر یخچال کازمیک را صعود کنیم. این مسیر کمی تکنیکال بود و دارای شکاف یخی های زیادی است و در مواقعی که برف زیاد باشد خطر بهمن نیز وجود دارد که در این مواقع اجازه صعود نمی دهند. در بین این مسیر و در بالای یخچال تری انگل، قله مونبلان دوتکول(mont blanc du tacul) قرار دارد.

شب در پایین پناهگاه کازمیک چادر زدیم و سعی کردیم از افراد منطقه برای صعود فردا اطلاعاتی به دست بیاوریم که متوجه شدیم زمان متوسط برای صعود این قله بین ۶ تا ۷ ساعت می باشد و معمولا ۳ صبح صعود را شروع میکنند. فردا یعنی ۵ آگوست ۶ صبح از چادر بیرون آمدیم و صعود را به صورت همطنابی آغاز کردیم، در بین راه شکافهای بسیار عمیق با اشکال متفاوت مرتبا نظر ما را جلب میکرد و عبور از پل های برفی که در آستانه شکستن بود هیجان کار را چند برابر میکرد، با کمی راه رفتن به نردبانی با شیب ۷۰ درجه رسیدیم که برای عبور از شکاف بزرگی طراحی کرده بودند. در ادامه به شیب تند و نوار باریکی رسیدیم که ما را به سمت راست هدایت میکرد و میتوان گفت پرخطرترین قسمت صعودبود به علت ریزش سنگ های بزرگ و شکسته شدن یخچال های بالای سرمان، ما سعی کردیم سرعت خود را بالا برده تا خطر را به کمترین زمان ممکن برسانیم. بعد از عبور از این مرحله به طناب های ثابت که در حدود ۱۰۰ متر بود رسیدیم و با یک تبر یخ و حمایت طناب ثابت از آن گذر

کردیم، در ادامه، مسیر ساده تر بود و ما سرعت خود را بالا بردیم تا در نهایت ساعت ۱۱ صبح روی قله مونبلان بودیم. بر روی قله افراد زیادی بودند که از مسیر نرمال که پناهگاه های تتروس و گوته در آن مسیر قرار دارد آمده بودند. با کمی استراحت و گرفتن فیلم و عکس ساعت ۱۱:۳۰ به سمت چادرمان به راه افتادیم در مسیر فرود باید حواسمان به پل های برفی که حالا گرم شده و شکننده بودند، جمع می بود. خوشبختانه آنها را پشت سر گذاشتیم و ساعت ۳ ظهر به چادرمان رسیدیم و میدانستیم که حدود۱ ساعت پیاده روی با شیب زیاد داریم تا به تلفریک برسیم به همین خاطر بعد از کمی استراحت چادر را جمع کردیم و با کوله هایی سنگین به راه افتادیم. شیب آخر این مسیر سخت ترین قسمت برنامه دو روزه ما بود که بالاخره به اتمام رسید و ما با آخرین تلفریک خود را به شامونی رساندیم.

در واقع هدف از اجرای این برنامه ۲ روزه، آماده سازی و هم هوایی و آشنا شدن با منطقه و یا حتی هیمالیای کوچک بود تا بتوانیم ذهن و روح خود را برای اجرای برنامه اصلی که جزو **۳ دیواره برتر منطقه آلپ در کنار رخ شمالی آیگر و رخ شمالی ماترهورن می باشد یعنی صعود دیواره گرندژوراس(grand jorasses)، آماده کنیم.**

باشگاه کوهنوردی و اسکی دماوند
تاسیس ۱۳۳۲

صعود به دیواره گراند ژوراس از مسیر واکر

در سایتی که در مورد صعود دیواره گرندژوراس نوشته بود به این مطلب بر خوردم: **صعود این دیواره بسیار زیبا کاملا تکنینال می باشد و فقط برای دیواره نوردان با تجربه قابل دسترس می باشد.**

مسیر معروف والکر(cassin route-walker Spur) روی دیواره گرندژوراس به طول ۱۲۰۰ متر که از ارتفاع ۳۰۰۰متری در انتهای یخچال لشوس(glacier du leschaux) شروع و در ارتفاع ۴۲۰۸ متری به پایان می رسد و چیزی در حدود ۳۰ طولمی باشد یکی از پرطرفدارترین مسیر های این دیواره می باشد و عموما برای صعود آن به یک پنجره هوایی خوب ۳ روزه نیار هست زیرا رعد و برق های این منطقه بسیار خطرناک است و امسال که مصادف با هشتادمین سالگرد گشایش این مسیر بود ما به یک پنجره هوایی خوب ۳ روزه برخوردیم که بسیار نادر در این منطقه می باشد. ۴سال پیش من(حسن گرامی) به همراه حمید شفقی تصمیم به صعود این دیواره را داشتیم ولی به علت نا مساعد بودن هوا موفق به انجام آن نشدیم. امسال هم دوست خوبم عامر ازوجی پیشنهاد تلاش بر روی دیواره را به من داد و حسین بلند اختر عزیز که دو هفته قبل از ما به همراه دوست آلمانی خود دیواره گرندژوراس را صعود کرده بود، اطلاعات بسیار خوب و دقیقی در اختیار ما گذاشت که باعث انگیزه بیشتری برای این صعود شد.

روز جمعه ۱۰ آگوست ساعت ۶:۵۰ صبح کمپمان در شامونی را ترک کردیم و به سمت ایستگاه قطار مونتانوق (montenvers) رفتیم. موقع خرید بلیط فقط بلیط رفت را خریدیم(برای ۲ نفر ۵۳ یورو) زیرا اگر موفق به صعود دیواره گرندژوراس می شدیم باید از ایتالیا به فرانسه برمیگشتیم. خانمی که بلیط ها را به ما می فروخت بعد ازفهمیدن این موضوع برایمان آرزوی موفقیت کرد و ما در ساعت ۸ صبح با اولین قطار به سمت یخچال مق دو گلس (mer de glace) به راه افتادیم. بعد از پیاده شدن از قطار با توجه به علائم، راه را پیدا کردیم و چیزی در حدود ۲۰۰ متر با طراحی ویافرتا و نردبان ارتفاع کم کردیم تا به سطح یخچال برسیم و از آنجا به سمت پناهگاهی که از قبل رزرو کرده بودیم حرکت کردیم. راه رسیدن به پناهگاه لشوس (les chauxe) کمی مبهم بود که بالاخره از روی سنگ چین ها و علائم قرمز روی سنگ ها آن را پیدا کردیم و در انتهای کار دیواره گرندژوراس نمایان شد و ما متوجه شدیم که چه روزهای پر چالشی در انتظار ما هست.!! پناهگاه بالای صخره ای در سمت چپ ما بنا شده بود که برای رسیدن به آن باید ۱۵۰ متر نردبان را صعود میکردیم و ابتدای آن با رنگ زرد علامت گذاری شده بود، در نهایت ساعت ۲ظهر به آنجا رسیدیم. دو تیم جلوی ما بودند که به سمت دیواره رفتند و در

پناهگاه نماندند در ابتدا علت کار آنها را متوجه نشدیم ولی بعد از اینکه وارد پناهگاه شدیم دوربینی به همراه یک نقشه در اختیار ما قرار دادند تا بتوانیم مسیر را به خوبی بررسی کنیم و متوجه شدیم افرادی که میخواهند هزینه ای برای پناهگاه پرداخت نکنند یا در ابتدای مسیر و یا چند طول بالاتر در ابتدای طول ربوفا (rebuffat-riss) بیواک میکنند. ما هم مدام با دوربین آنها را دنبال میکردیم تا خطایمان برای پیدا کردن مسیر کاهش یابد. وقتی از یک دیواره نورد ایتالیایی که مسیر والکر را در زمستان صعود کرده بود پرسیدیم که آیا مسیر والکر را میتوان به راحتی پیدا کرد؟ و او در جواب گفت: **"یه دیواره نورد برای پیدا کردن مسیر بو میکشه"** و برداشت ما از جمله ایشان همان جمله معروفی بود که در بالا به آن اشاره کردم (تجربه صعود). ماندن در پناهگاه مزایای خوبی برای ما داشت: اول از همه این که یک وعده شام و صبحانه از کوله های ما حذف شد و همینطور نداشتن چادر کوله های ما را سبک میکرد.(هزینه ماندن در پناهگاه به همراه یک وعده شام و صبحانه برای ۲ نفر ۱۲۰ یورو) دوم اینکه اطلاعات خوبی از مسیر گرفتیم زیرا خواندن توپوهای فرانسوی ها با آن دست خط سر هم برای ما غیر ممکن بود و سوم اینکه اسم ما را در لیستی ثبت کردند تا در صورت بروز مشکل برای ما سریع اقدام به امداد بکنند(قابل ذکر است که امداد و نجات کوهستان فرانسه به طرز ناباورانه ای قوی می باشد در این حد که پرسنل پناهگاه با هلیکوپتر رفت و آمد داشتند). پناهگاه بسیار تمییز بود و مدل ساخت و طراحی آن بسیار بهینه بود و در فضای بسیار کوچک ۲۰ نفر گنجایش داشت و در آنجا بچه های کم سن و سالی میدیدیم که چطور آموزش کوهنوردی و همطنابی را از سن کم شروع می کردند. قابل ذکر است که در همچین پناهگاه مجهزی هر نفر مسئول آشغال شخصی خود بود و باید آن را با خود حمل میکرد. ساعت ۷ شب به ما شام مفصلی دادند و قرار شد که ما فردا ۲ صبح پناهگاه را ترک کنیم، به همین علت صبحانه ما در ۱ صبح همراه با یک نامه دلگرم کننده که در آن آرزوی موفقیت برای ما کرده بودند و همچنین خواستند که وقتی به ایتالیا رسیدیم آنها را با خبر کنیم، سرو شد.

۱۱ آگوست ساعت ۲ صبح پناهگاه را ترک کردیم، یکی از دشواری های کار رسیدن به پای دیواره بود که با وجود شکاف های عمیق و تاریکی هوا کار بسیار دشوار بود. یک تیم جلوی ما بود و رد پای آنها برای ما هم گمراه کننده و هم باعث دلگرمی بود تا خطای آنها را دوباره تکرار نکنیم، در انتهای کار که کاملا گیج شده بودیم صدایی از سمت راست خود شنیدیم که ما را صدا می کردند تا راه درست را نشانمان دهند، ما هم به سمت نور هدلامپ به راه افتادیم . بعد از تراورس از یک پل برفی و قسمت یخ زده با شیب ۶۰ درجه، متوجه شدیم که در ابتدای طول دوم مسیر والکر هستیم. وسایل صعود را آماده کردیم و ساعت ۵:۴۰ صبح کار را شروع کردیم، مسیرها اغلب۵۰ متری بودند و آنها را با کفش کوه صعود میکردیم، لازم به ذکر است که تیم جلوی ما همین مسیر را با کتونی

سنگ صعود میکردند (درجه سختی ۵,۷و ۵,۸) بعد از اتمام طول پنجم (ابتدای طول ربوفا)کفش کوه ها را در آورده داخل کوله گذاشتیم و کتونی سنگ پوشیدیم، در این زمان یکی از چالش های ما سنگ نوردی با این کوله های سنگین بود (یک کوله ۱۳ kg و کوله دیگر ۱۰ kg بود) که علاوه بر کفش یک پوش سنگین و کرامپون، یک جفت تبر یخ، زیرانداز، کیسه خواب، غذا و تنقلات برای ۲ روز، پک کمک های اولیه، نوشیدنی، گاز، جت بویل، فلاسک آب جوش ۲ عدد، لباس گرم و لوازم فنی از قبیل ۲عدد پیچ یخ، میخ، انواع هوک ها، ۱۲ عدد کوئک درا، یک ست ۱۰ تایی کیل و ۱۲ عدد کملوت را به همراه داشتیم. در طول ۷ به کنجی بر خوردیم که به آن کنج ۷۵ متری میگفتند. درجه این قسمت مسیر در توپو ۵.b بود ولی با این کوله ها و سرما کار کمی سخت می بود. بعد از اتمام آن یک فرود داشتیم و در بعضی قسمت ها طناب های ثابتی بود که مسیر را به ما نشان می داد. تا طول ۱۹ (بیواک کازین)روال کار به همین صورت بود که ما در ساعت ۶ بعد از ظهر در آنجا بودیم و یکدفعه همه شرایط تغییر کرد و ما باید کفش کوه وکرامپون خود را می پوشیدیم و وارد تنوره قرمز (chimney rouge) می شدیم ، ما بدون اطلاع از محل بیواک مسیر را ادامه دادیم و چند طول را از سمت چپ تنوره قرمز که شیب ۶۰ درجه یخی و کمی بالاتر کار میکس داشت، ادامه داده و پشت تیم های جلویی متوقف شدیم. حالا باید ۵ کرده از این قسمت عبور می کردند و برای هر کرده زمان تقریبی ۱/۵ ساعت در نظر گرفته شده بود و در ادامه ۱۱ طول باقی مانده مسیر جای مناسبی برای بیواک نداشت، به علت سختی مسیر و زمان محدود همه تیم ها به غیر از یک تیم تصمیم به شب مانی در محل کمپ کازین که ۳ طول پایین تر بود گرفتند، ولی ما یک طول بالاتر از بیواک کازین در حدود ساعت ۱۰ شب یک جا برای خودمان درست کردیم و شب بسیار سرد و سختی را سپری کردیم و با خوردن سوپ و آب جوش سعی بر گرم کردن خودمان داشتیم و در ضمن جای کافی برای خوابیدن نداشتیم. شاید بتوان گفت محدوده یک متر در ۷۰ سانتی متر مناسب ترین قسمت محل شب مانی ما بود.

۱۲ آگوست ۶ صبح آفتاب لذت بخشی به ما می تابید اما باید زودتر کار را شروع میکردیم. یکی از تیم ها به علت سختی کار به پایین برگشت و در کل ۴ کرده بودیم که باید کار را به اتمام می رساندیم. ساعت ۶:۳۰ صبح به عنوان آخرین تیم کار را شروع کردیم. (زیرا طناب ما توسط دو پسر جوان فرانسوی ثابت شده بود تا آنها بتوانند از طول ۲۱ فرود بیایند چون طناب خودشان در بالا لاخ شده بود) بعد از چند طول صعود میکس نفس گیر و یک تراورس، به یک کنج رسیدیم و در آن موقع کمی هم با نفرات بالا فاصله گرفته بودیم، برای اولین بار بود که ذهنمان دیگر قادر به حل مسئله نبود، آفتاب گرم بعد از ظهر روز قبل بر یخ های نازک تابیده بود و شکاف مناسبی برای ابزارگذاری نگذاشته بود، در همان لحظه دو میخ قدیمی دیدیم که به یکی از آنها تسمه ای کهنه آویزان بود، خودمان را جمع کردیم و آماده صعود این مسیر (طول ۲۵) شدیم و به هر ترتیبی آن را به اتمام رساندیم وبه

قسمت های ساده تر رسیدیم. در حین صعود چندین بار کرامپون پوشیدیم و درآوردیم، همچنین چندین بار کفش کوه و سنگ را تعویض کردیم. دو آلمانی که بالای سرمان بودند وخیلی مهارت خوبی در خواندن توپو مسیر داشتند به ما اشاره کردند که به سمت چپ متمایل شویم (طول ۲۶). فقط چند طول تا پایان دیواره فاصله داشتیم و راهنمایی های این دو نفر برای ما دلگرمی خوبی بود. تابیدن آفتاب روی یخ ها و نبودن شکاف مناسب جهت ابزارگذاری کار را مشکل کرده بود و باید بیشتر مسیررا با تجربه و توانایی و روحیه جنگندگی پشت سر می گذاشتیم، بالاخره در چند متری قله قرار گرفتیم و با صعود ۱۰ متر برف چال به قله رسیدیم. وقتی فهمیدیم که ساعت ۵ بعد از ظهر هست شوکه شدیم چون فرود سختی پیش رو داشتیم و باید در روشنایی هوا قسمت دشوار آن را رد میکردیم. بعد از خوشحالی و گرفتن فیلم در ساعت ۵:۳۰ به سمت پایین حرکت کردیم. حسین بلنداختر و Jerome هر دو تاکید کرده بودند که در مسیر فرود از سمت چپ پایین برویم و گرده سمت راست مسیری گول زننده می باشد و فرود از این گرده دشوار و احتیاج به زمان بیشتری دارد. دو کرده که این اشتباه را کرده بودند با وجود اینکه به عنوان اولین تیم ها روی قله آمده بودند ولی با ۵ ساعت تاخیر بعد از ما به فرودهای مسیر رسیدند. خوشبختانه ردپای تیم های قبلی به جا مانده بود به غیر از قسمت های سنگی و ما به راحتی مسیرمان را پیدا می کردیم اما بعد از اتمام ردپاها کمی گیج شده بودیم که از روی نقشه با دیدن کلمه rappels طناب های ثابت را پیدا کردیم و به فرود ادامه دادیم، خستگی و گرسنگی داشت بر ما غلبه می کرد و ما به قسمتی رسیده بودیم که باید ۵ طول فرود می رفتیم و پیدا کردن ابتدای آن نیز کمی مشکل بود و احتیاج به انرژی لازمه بود، هوا داشت تاریک می شد و ما تصمیم گرفتیم بعد از ۴۰ ساعت فعالیت کمی غذای گرم بخوریم و هارنس هایمان را درآوردیم چون تصمیم گرفته بودیم شب را در آنجا بمانیم، یکی مان به سمت ایتالیا و آن یکی به سمت فرانسه نشسته بود، غذا گرم میکردیم و منتظر دو تیمی بودیم که در هنگام فرود خطا کرده بودند واز ما عقب مانده بودند، ناگهان از دور دیدیم در قسمت فرانسه رعد و برق شدیدی زد و چون آب و هوا را از قبل چک کرده بودیم می دانستیم که فردا ممکن است هوا خراب شود، یادی از مهندس هاشم نژاد کردیم و مطمئن شدیم که آن ابر ها CB9 هستند، برای یک بار دیگر شانس آوردیم که موبایل آنتن می داد و ما توانستیم وضعیت خود را به آقای نوتاش و Jerome خبر دهیم و همچنین از وضعیت آب و هوای فردا مطلع شویم، بعد از مشورت با آنها متوجه شدیم به هر قیمتی باید به راه خود ادامه دهیم و پناهگاه ایتالیایی ها را پیدا کنیم چون تا چند ساعت دیگر این ابر ها به ما می رسیدند و خطر صاعقه ما را تهدید می کرد و هم اینکه اگر رد پاها را از دست می دادیم پیدا کردن پناهگاه برای ما دشوار می شد. ۴ نفری که از ما عقب مانده بودند به ما رسیدند و ما اطلاعاتی که به دست آورده بودیم را با آنها در میان گذاشتیم و ۲ نفر از آنها قرار شد با ما بیایند و ۲ نفر دیگر به علت نداشتن

چراغ پیشانی و خستگی زیاد تصمیم گرفتند شب را در آنجا بمانند. بعد از کمی استراحت و خودرن غذا ساعت ۱۱شب به راه افتادیم، بعد از ۴۰ دقیقه چالش دست به سنگ و رد شدن از قسمت های یخی و برفی به ابتدای فرود ها رسیدیم، ۲بار طناب تیم جلوی ما لاخ شد که ما آن را آزاد کردیم ولی خوشبختانه این اتفاق برای ما نیافتاد. در انتهای فرود طول ۵ نیز آنها تمایل به سمت چپ داشتند که ما از روی نقشه می دانستیم که باید به سمت راست برویم و در نهایت با دیدن رد پا روی برف مسیر را پیدا کردیم. قسمت تکنیکال فرود دیگر تمام شده بود و فقط باید ساعت ها روی برف چال راه می رفتیم، تشنگی بد جوری آزارمان می داد و به همین خاطر تصمیم گرفتیم برف آب کنیم و چایی بنوشیم، آن دو نفر هم از ما فاصله گرفتند و رفتند. بعد از کمی استراحت دوباره ادامه دادیم تا برف چال تمام شد و به مورن ها و سنگ ها رسیدیم. در ابتدا از روی سنگ چین ها راه را پیدا می کردیم اما در انتها دوباره راه را گم کردیم تا اینکه یک لوله آب پیدا کردیم، در آن زمان ابر ها به ما نزدیک شده بودند و مه غلیظی دشت را فرا گرفته بود هر دو صدای آدم میشنیدیم ولی آن را پیدا نمیکردیم و بالاخره تصمیم گرفتیم برگردیم و لوله آب را دنبال کنیم. در کمال ناباوری رد پایی روی خاک پیدا کردیم و بعد از آن پناهگاه ایتالیایی به نام boccalatte در ارتفاع ۲۸۰۳ متر را در ۴ صبح پیدا کردیم.

۲ صبح ۱۱ آگوست از پناهگاه لشوس در فرانسه بیرون آمده بودیم و حالا ۴ صبح ۱۳ آگوست در پناهگاه بوکالاته ایتالیا بودیم، چیزی در حدود ۵۰ ساعت فعالیت پر تنش داشتیم. وقتی ۴ صبح به Jerome پیغام دادم که ما رسیدیم، بلافاصله با خوشحالی جوابمان را داد و این نگرانی واقعا در آن کشور غریب برای ما دلگرمی بزرگی بود و آنجا بود که ما اهمیت صعود و برگشت این دیواره برایمان نمایان تر شد. صعودمان را با نوشیدن چای و قند بسیار جشن گرفتیم و آماده خواب شیرین شدیم، صبح ساعت ۸:۳۰ تگرگ شدیدی می آمد و چون وسایلمان را روی تراس پناهگاه رها کرده بودیم و داشت خیس می شد، ما را از خواب بیدار کردند. دیدیم عده ای که قصد بیرون رفتن از پناهگاه را داشتند از شدت بارش برگشتند به سمت داخل. ما هم صبحانه مفصلی خوردیم و وسیله هامان را مرتب کردیم (هزینه ۲ نفر با صبحانه ۶۰ یورو) و ساعت ۱۱ از پناهگاه خارج شدیم، اوایل کار نم نم باران داشتیم که بعد از مدتی قطع شد، از طناب های ثابت و نردبان ها در حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ متر پایین رفتیم، مسیر برگشت بسیار زیبا بود ولی ما از خستگی زیاد فقط می خواستیم زودتر به ده (Aosta) برسیم و در نهایت ساعت ۲ ظهر به ده رسیدیم و از حوضچه آبی که حسین عکسش را برایمان از قبل فرستاده بود و نشانه پایان کار بود، کلی آب خوردیم و به سمت ایستگاه اتوبوس رفتیم تا ما را به شهرکورمایور (courmayeur) ببرد. در آنجا با یک اتوبوس دیگر در ساعت ۴ به شامونی رفتیم (این ۲ اتوبوس برای ۲ نفر ۳۴ یورو) و به علت ریزش پل کلی در ترافیک ماندیم و در نهایت ساعت ۶:۳۰ به میدان اصلی شامونی رسیدیم و با یک اتوبوس دیگر

بعد از ۴ روز به کمپ مان بازگشتیم و تصمیم گرفتیم ۴ روز باقی مانده از سفرمان را خوش بگذرانیم ولی طاقت نیاوردیم و پس فردای آن رفتیم به منطقه ای به نام la joux که سنگ آن مدل خاصی داشت سنگ نوردی کردیم و فردای آن روز به منزل Jerome دعوت شدیم و جایزه صعودمان که پرواز با پاراگلایدر بود را گرفتیم و چون هر دو تجربه اولمان بود، کلی لذت بردیم و اینکه از ابتدای سفر قصد انجام این کار را داشتیم ولی چون گران بود (۱۱۰ یورو نفری) از انجام آن منصرف شده بودیم.

تشکر میکنم از همه دوستانی که در این راه کمکمان کردند:

آقایان نوتاش، عامر ازوجی، حسین بلند اختر وJerome blanc grac و همینطور مهندس محنا و سعید سلیمی و تمام کسانی که دعای خیرشان بدرقه سفرمان بود و در طول سفر به یادمان بودند.

From France to Italy

Grandes Jorasess Big Wall
Aiguille du Midi Big Wall
Mont Blanc Summit

گزارش صعود تیم مستقل ایرانیان بر روی دیواره گرند ژوراس از مسیر واکر (۴۲۰۸ متر)

صعود دیواره اگویدومیدی از مسیر کلاسیک ریوفا (۳۸۰۰ متر)
صعود قله مون بلان از مسیر یخچال کازمیک (۴۸۱۰ متر)

حسن گرامی
فاطمه حاجی کریملو

دوشنبه ۳ دی ماه ۱۳۹۷ - ساعت ۱۸ الی ۲۱
سالن اجتماعات ستاد توان افزایی سازمان های مردم نهاد
خیابان انقلاب خیابان خاقانی پلاک ۷۹

باشگاه کوه‌نوردان آرش

باشگاه کوهنوردی اسکی دماوند
تاسیس ۱۳۳۲